



شائبه‌های اخلاقی

و مستند «متهمین دایره بیستم»

محمد حیدری پور

دو هفته پیش در یک پنج‌شنبه‌اردیبهشتی، عابرائی که از مقابل ساختمان شهروند در بلوار اصلی شهر لواسان می‌گذشتند، با اتفاقی خاص روبه‌رو شدند؛ جوانی که راننده کویک بود، با صورتی خون‌آلود، از ماشین پیاده شده بود و در پیاده‌رو فریاد می‌زد. چند ثانیه قبل تصادفی رخ داده و شیشه ماشین خرد شده‌بود.سر مرد جوان ضربه دیده‌بود و به‌نظر می‌رسید آسیب جدی است، او فریاد می‌زد: «همه زندگی‌م رو پای این ماشین گذاشتم، بدبخت شدم.» عابران بهت زده، به او زل زده بودند و آنچنان تحت تأثیر قرار گرفته بودند که هیچ کس، گوشی همراهش را در نیاروده و به سنت این سال‌ها تصویر نمی‌گرفت. فریادهای مرد جوان، جاسوز بود، از صورتش خون روی پیاده‌رو می‌ریخت و او فریاد می‌زد.

این بخشی از واقعیت جاری زندگی اغلب مردم جامعه است که دچار بحران‌های جدی مالی هستند؛ آنها که غیر مستقیم و مستقیم در دایره‌ای از شوربختی گرفتار می‌شوند. حسام اسلامی در مستند «متهمین دایره بیستم» سرنوشت چند درد خرده‌پار را روایت کرده است، تا اینجا مشکلی وجود ندارد، نکته جالب و درخبر انگیز این است که فیلمساز چند بار روی دوستی و حس همدلی‌اش بااین‌زدان تأکید می‌کند.فیلم «متهمین دایره بیستم» یکی از عجیب‌ترین مستندهایی است که در ایران (و شاید جهان) ساخته شده،نمایش‌زدان و خلافکاران در یک مستند، مرسوم و پذیرفته‌ای است، اما امر اخلاقی این است که آیا مستندساز می‌تواند با‌زدانی که هرگز از عمل سوء خود، سر منده نیستند، همراه شود؟ آیا می‌تواند نسبت به تضییع حقوق دیگر شهروندان ساکت بماند؟ تنها با این منطق که فیلم بسازد؟ چرا فیلمساز سراغ هیچ مالباختهای نمی‌رود؟ چرا بحران سرق‌ت را از یک سوی دیگر نمی‌بیند، پدری که تمام دارایی‌اش را از دست می‌دهد، خانواده‌ای که با سرق‌ت دچار گرفتاری می‌شود؟

«متهمین دایره بیستم» دقیقاً با چه هدف و رویکرد تربیتی و آموزشی ساخته شده؟ هیچ سکانسی از فیلم، نشان‌دهنده همدلی فیلمساز با مردم، مردم مورد تاراج قرار گرفته نیست. او هیجان زده‌ا کشف یک گروه گنگستر خرده‌پای جنوب شهری، می‌کوشد کنارشان، ناظر و ثبت‌کننده باشد. احتمالاً حسام اسلامی گمان می‌کند، واقعیت را ثبت کرده، اما آیا به تأثیر این واقعیت توجه داشته‌است؟ در روز روشن، در خیابان، در شهر تهران (بایبخت و مهم‌ترین شهر ایران) چند جوان، بدون اینکه آموزش دیده باشند، به سادگی دست به سرق‌ت اتومبیل می‌زنند و شب‌ها در هم می‌رقصند، شادخواری کرده و حتی در یک پلان از فیلم احساس عذاب وجدان و رنج ندارند. آقای کارگردان که با آثاری چون «پروژه ازدواج» داعیه نزدیک شدن به انسان و مسائل روحی و روانی او را دارد، از تأثیر تصویر بر مخاطب آگاه است، فیلم او چه هدفی دارد؟ ترویج دزدی؟ توجه به اینکه درد دان کم‌رس و جوان ایران، چگونه مست از بول‌های باد آورده، شب‌ها دور هم جمع می‌شوند و به ریش هموطنان مالباخته‌شان می‌خندند؟



تماشای «متهمین دایره بیستم» در‌آور است، باور، اینکه یک ایده بتواند، فیلمسازی خلاق را چنین درگیر مناسبات غیر اخلاقی کند، دشوار است. حسام اسلامی، حتی مانند کارگردان‌های فیلم‌ها داستانی، نتوانسته است چند پلان از ضدقهرمان‌های فیلمش ضبط کند که اشرای به گذشته پررنج یا بحران‌های زندگی آنها باشند تا تماشاگر باور کند، این عصیان و طغیان، محصول زندگی خانوادگی نامناسب یا بحران‌های دوران کودکی است، تنها در یک سکانس، پسری که مادرش را از دست داده با گریه و خشم، فقدان مادر را پنهان‌ای برای ادامه خلأکاری در آینده می‌داند. این مجسمه‌های فساد و تباهی که فیلم در پاره آنهاست، شمشیر کنندند و همدلی بر نمی‌انگیزند، قسارت آنها نسبت به زندگی هموطنان‌شان، نفرت‌برانگیز است و اینکه فیلمساز، کنار آنها ایستاده به نفع فیلم نیست؛ اگر در «روایات و قاضی» حسام اسلامی با گنج‌یابی طرح دوستی می‌ریخت و در سرق‌ت میراث آبا و اجدادی با آنها شریک می‌شد، فیلم را می‌شد این طور تفسیر کرد که از روایاتی در سرزمینی که رنج دیده و شکست خورده در آن فراوان است، منطقی است و ریشه تاریخی دارد، اما آیا در فرهنگ ایرانی، سرق‌ت، کلاهبرداری و افتخار به آن ستودنی است؟ در یکی از سکانس‌ها، یکی از شخصیت‌ها با صراحت می‌گوید دزدی را راه نمی‌کند، چون روزی ۲۰۰ هزار تومان در آمد دارد، در حالی که شغل‌های دیگر، ماهانه ۲۰۰ هزار تومان در آمد دارد. این منطق‌زدان جوان فیلم است و فیلمساز در هیچ یک از نریشن‌هایش، هیچ موضعی نسبت به این نگاه ندارد. تنها با انتخاب یکی از چند شخصیت فیلم که ناگهان تصمیم به ترک دزدی گرفته و ازدواج کرده، می‌کوشد فیلم را از خط ممیزی نجات بدهد. با توجه به مقدمه فراوان فیلم درباره سرق‌ت و هیجان و لذت‌ش، تحول پسر جوان چنگی به ند نمی‌زند و باور پذیر نیست. متن‌های پایان فیلم درباره سرنوشت شخصیت‌ها، هم شبیه تحول خلاقانان در فیلمفارسی‌ها نجسب و شعاری است.

«متهمین دایره بیستم» محصول نگاه اشتباه به امر اخلاقی است. فعالان سینمای مستند معمولاً بر این باورند که سینمای داستانی، غیرواقعی، تجاری و سطح پایین است، اما ابتذار را نه گونه سینمایی که نگاه سازنده اثر تعریف و تعیین می‌کند. در سینمای داستانی نمونه‌هایی وجود دارد که خلاق‌کار خرده‌پار، برخی ارزش‌های اخلاقی را راعایت کرده و به ادبی وفادار است که او را دوست‌داشتنی کرده است، «قیصر» (مسعود کیمیایی) مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین‌شان است و «طوقی» (علی حاتمی)، یکی دیگر از این فیلم‌ها که شمالی ضدقهرمان چند وجهی را به نمایش می‌گذارد.

ممکن است کارگردان «متهمین دایره بیستم» معتقد باشد فیلمش در مذمت سرق‌ت است، اما نشانه‌ها این موضوع را نشان نمی‌دهد، او می‌تواند

تأثیر فیلمش را روی نوجوانان و جوانان انکار کند، می‌تواند نسبت به بازتاب و انعکاس فیلمش روی تماشاگر غفلت کند و با خیال راحت، به فیلمسازی ادامه دهد اما به نظر نمی‌رسد هیچ فیلمسازی در سینمای جهان به این سادگی می‌توانست در ستایش خلاقانان خرده‌پار سرق‌ت در روز روشن فیلم بسازد.

■ زینب رازدشت

سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با شور و هیجان وصف‌ناپذیری، پرده از رویدادی فرهنگی باشکوه بر داشت. از میان غرفه‌های رنگارنگ و پر از کتاب، بوی کاغذ و جوهر تازه به مشام می‌رسید. فضای نمایشگاه، مملو از مخاطبان مشتاق، نویسندگان و ناشران فعال بود.

■ ■ ■

از کودکان با کتاب‌های رنگارنگ و داستان‌های جذاب گرفته تا بزرگسالان با آثار پژوهشی و رمان‌های پر ماجرا، همه در این فضا به جست‌وجوی کتاب‌هایی جدید و سرشار از دانش و تجربه بودند. با هر قدمی که برمی‌داشتید، دنیایی جدید از داستان‌ها، ایده‌ها و اندیشه‌ها در برابر چشمان‌تان پدیدار می‌شد. حضور نویسندگان و ناشران داخلی و خارجی به نمایشگاه رونقی وصف‌ناپذیر بخشیده بود. گفت‌وگوها و نشست‌های تخصصی، فرصتی برای تبادل نظر و آشنایی با دیدگاه‌های نوین و ایده‌های جدید در حوزه کتاب و ادبیات فراهم می‌کرد. از تجربیات ارزشمند نویسندگان پیشکسوت تا ارائه آثار نوآوران جوان، همه در این فضا، فرصت رشد و پیشرفت را برای مخاطبان خود به ارمان آورده بود.

این رویداد، به عنوان پلی میان نویسندگان و خوانندگان، به درک و فهم عمیق‌تری از فرهنگ و ادبیات کمک کرد و در نهایت، تجربه‌ای فراموش‌نشدنی را برای همه میهمانان رقم زد.

■ راضی‌ها و ناراضی‌های نمایشگاه چه گفتند؟

در حالی که برخی ناشران و غرفه‌داران از نمایشگاه امسال ابراز رضایت کردند و از حجم بازدید کنندگان و تعاملات مثبت با مخاطبان خبر دادند، گروه دیگری از شرکت کنندگان از وضعیت نمایشگاه راضی نبودند.

نبودن فضای کافی برای ارائه محصولات جدید، مشکلات در تسهیلات نمایشگاهی و همچنین نرخ پایین‌تر از حد انتظار فروش، از جمله دلایل ناراضیانی برخی غرفه‌داران بود. مشکلات مربوط به دسترسی به فضای مناسب یا عدم هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های پیش از نمایشگاه نیز به عنوان عوامل منفی در تجربه این دسته از شرکت‌کنندگان مطرح شد. از سوی دیگر، تعدادی از ناشران و غرفه‌داران از نمایشگاه امسال به دلیل کیفیت بالای بازدید کنندگان، از تباط و مؤثر با مخاطبان هدف و همچنین افزایش فروش، ابراز رضایت کردند.

محیط نمایشگاهی جذاب و برنامه‌ریزی منظم‌تر برای معرفی محصولات جدید، از جمله عواملی بود که موجب رضایت این گروه از شرکت‌کنندگان شده بود. همچنین بازخورهای مثبت مشتر بان و افزایش تقاضا برای محصولات جدید، به عنوان نقاط قوت نمایشگاه امسال مورد توجه قرار گرفت.

۲۷ بحث، ستارگان درخشان، ستاره‌ها، پلاک عشق و چشم و چراغ از جمله ناشرانی بودند که ارزیابی مثبتی از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه دادند.

آنها ضمن اشاره به حضور پر شور مخاطبان و تعاملات مثبت با بازدید کنندگان، تأکید کردند که وضعیت نمایشگاه نسبت به سال گذشته تغییری محسوس نداشته است. این ناشران از فروش و استقبال مخاطبان رضایت نسبی داشتند و نمایشگاه را فرصتی مناسب برای معرفی محصولات و ارتباط با مخاطبان خود ارزیابی کردند.

در مقابل، نشر شالگردن از جمله ناشرانی بود که از جانیایی غرفه خود در نمایشگاه

■ حاشیه

مروری بر نقاط قوت و ضعف سی‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران

بهار دل‌انگیز کتاب‌دوستان چگونه سپری شد



نمای نزدیک

در فضای نمایشگاه هر خواننده‌ای، هر نویسنده‌ای، هر ناشری، به شکلی جدیدتر و عمیق‌تر با دنیای ادبیات پیوند می‌یافت. لحظات ناب و پر از انرژی، در میان قفسه‌های پر از کتاب‌های رنگارنگ و در گفت‌وگوهای گرم و پرشور به یادگار می‌ماند؛ یادگاری از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ نمایشگاهی که در دل خود، آینده‌ای روشن و پر از داستان را پنهان کرده بود

خالی، از نظم و هماهنگی لازم برخوردار

نیست و تجربه کلی نمایشگاه راحت‌الشاع قرار می‌دهد. بودن کتاب‌ها بود؛ قیمت‌هایی که در مطابقت قوانین نمایشگاه، ناشرانی که ثبت‌نام کرده و غرفه اجاره می‌کنند اما در نمایشگاه حضور پیدا نمی‌کنند، با مجازات‌هایی مواجه می‌شوند.

این مجازات‌ها که شامل عدم امکان حضور در نمایشگاه در سال‌های آینده است، نشان‌دهنده اهمیت نظم و انضباط در نمایشگاه است، با این حال این اتفاق، از دیدگاه منفی آن به‌طور غیر مستقیم، به نمایشگاه آسیب می‌رساند و ضررهایی برای سایر ناشران و بازدید کنندگان ایجاد می‌کند.

این تفاوت در نظرات نشان می‌دهد عوامل مختلفی در رضایت‌مندی ناشران از نمایشگاه مؤثر هستند. عوامل کلیدی مانند جانیایی غرفه‌ها، دسترسی به تسهیلات مناسب، تبلیغات و اطلاع‌رسانی و همچنین حجم بازدید کنندگان می‌توانند در میزان موفقیت ناشران در نمایشگاه نقش تعیین کننده داشته باشند. بررسی این عوامل و ارائه راه‌حل‌های مناسب می‌تواند به بهبود تجربه شرکت‌کنندگان در دوره‌های بعدی نمایشگاه کمک شایانی کند.

در این میان دو جوان، با شور و شوقی وصف‌ناشدنی در میان غرفه‌های نمایشگاه قدم می‌زدند. کتاب‌ها با طرح‌ها و رنگ‌های متنوع، چشم‌نواز بودند و به نظر می‌رسید ناشری، به شکلی جدیدتر و عمیق‌تر با دنیای ادبیات پیوند می‌یافت. لحظات ناب و پر از انرژی، در میان قفسه‌های پر از کتاب‌های رنگارنگ و در گفت‌وگوهای گرم و پرشور به یادگار می‌ماند؛ یادگاری از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ نمایشگاهی که در دل خود، آینده‌ای روشن و پر از داستان را پنهان کرده بود.



فیلمسازان در نمایشگاه کتاب از اقتباس در سینما گفتند

اقتباس کاملاً وفادارانه از ادبیات در سینما نتیجه مناسبی به همراه ندارد

دیده می‌شود، اما تأثیر اصلی را از زمان گرفت‌م. عیاری بیان کرد: پایان تلخ فیلم دسیسکا برایم بسیار آزاردهنده بود. شخصیت پسر بچه در آبادانی‌ها بر گرفته از زندگی شخصی من است. تلاش می‌کنم سختی‌های زندگی را بپذیرم اما با الهام‌های کوچک به دنبال روزنه‌ای از امید باشم، همان‌طور که این موضوع در فیلم «بیدارشو آرزو» نیز به چشم می‌خورد.

فرازد مؤتمن که با فیلم «شب‌های روشن» در ذهن سینما دوستان مانده است، درباره اقتباس در سینما بیان کرد: به نظر من یک اقتباس کاملاً وفادارانه از ادبیات در سینما نتیجه مناسبی به همراه ندارد. اگر به اقتباس‌های مهم دنیا نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که نتیجه نهایی آنها بیش از سینما به فو تو رمان شبیه هستند، در نتیجه بهتر است شرایط و قصه زندگی خودمان را وارد جهان

■ امان از گرانی کتاب!

اما نکته‌ای که بارها تکرار می‌شد، گران بودن کتاب‌ها بود؛ قیمت‌هایی که در گوشه و کنار، به‌نوعی، حس تردید و اندکی ناامیدی را در دل این دو دوست جوان ایجاد می‌کرد، با وجود این از کل نمایشگاه، از تبعود آثار و از فضای پرشور حاکم بر آن به‌شدت راضی بودند.

یک مادر، همراه فرزند جوانش، از انسجام غرفه‌ها و چیدمان آنها لذت می‌برد. دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و راهنمایی که در سراسر شیبستان اصلی پراکنده بودند، به عنوان یک اتفاق مثبت و راهگشا، توجه او را جلب کرده بودند. فرزندش با هیجان و کنجکاوی، اطلاعاتی را از این دستگاه‌ها دریافت می‌کرد و مادر از این امر، به‌شدت راضی بود. برای او این نمایشگاه، تجربه‌ای مثبت و مفید بود.

اما خانواده‌ای چهار نفره، تجربه‌ای متفاوتی از نمایشگاه داشتند. گرمای شدید شیبستان به عنوان یک عامل آزاردهنده بر تجربه آنها سایه انداخته بود، علاوه بر این افزایش قیمت کتاب‌ها و همچنین کیفیت نه‌چندان مطلوب برخی ترجمه‌ها که به‌نظر می‌رسید ناشی از کتاب‌سازی باشد، دغدغه‌هایی را برای آنها به وجود آورده بود. این خانواده در وجود تمام تلاش‌های‌شان برای یافتن کتاب‌های مورد علاقه، با این مشکلات مواجه شدند. در این فضا که عطر کتاب و شور آشنایی با اندیشه‌ها در آن پیچیده بود، هر خواننده‌ای، هر نویسنده‌ای، هر ناشری، به شکلی جدیدتر و عمیق‌تر با دنیای ادبیات پیوند می‌یافت. لحظات ناب و پر از انرژی، در میان قفسه‌های پر از کتاب‌های رنگارنگ و در گفت‌وگوهای گرم و پرشور به یادگار می‌ماند؛ یادگاری از سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ نمایشگاهی که در دل خود، آینده‌ای روشن و پر از داستان را پنهان کرده بود.

مؤتمن نیز در خصوص مشکلات پیش روی سینمای ایران در امر اقتباس‌های خلاقانه بیان داشت: ادبیات ایران چندان صورت‌نی تحلیلی ندارد و شاید تنها بتوان به منطق الطیر عطار و شاهنامه فردوسی اشاره کرد. در سال‌های اخیر امکان اقتباس برای همه فیلمسازان وجود ندارد، همین‌طور تیراژ بسیاری از کتاب‌ها به ۲۰۰ جلد رسیده و این معضل مهمی است.



«آشتی‌کنان»

الگوی همبستگی و همدلی را بر جسته می‌کند

زندگی به سبک ایرانی یک زندگی اجتماعی و رابطه‌محور است، درست برخلاف سبک زندگی غرب که تنهایی و دوری از خانواده و جامعه را تبلیغ و ترویج می‌کند. زندگی ایرانی هم این روزها به لطف توسعه شهرنشینی و تغییرات کالبدی در فضای زندگی و رابطه آدم‌ها دست‌خوش تغییرات اساسی شده است. یکی از همین تغییرات، نوع رابطه اجتماعی و ارتباط با آدم‌های پیرامون محل زندگی است که دیگر شبانه‌تی به گذشته ندارد. ظاهرأ ضرب‌المثل «چهار دیواری اختیاری» بدجوری تأثیر خودش را گذاشته و ما را از حال و احوال یکدیگری بی‌خبر کرده است. مستند «آشتی‌کنان» در چنین فضایی سراغ سوزهای خوب و جذاب رفته است. زندگی گروهی از زنان در محله سیلان تهران که با ایجاد یک شبکه اجتماعی کوچک اما مؤثر، به حمایت از خانم‌های باردار یا تازه‌زایمان کرده مشغول هستند، سوزه اصلی این مستند به کارگردانی تینا صفاهییه شده است.

قبل از هر چیز انتخاب چنین سوزه‌ای را که روائتگر آسیبی اجتماعی در شهر شلوغ و پرهیاهوی تهران است، باید ستود؛ جایی که بسیاری از افراد در آن به دلیل سبک زندگی مدرن با احساس تنهایی و جدایی از دیگران دست‌وپنجه نرم می‌کنند. «آشتی‌کنان» قصد دارد با معرفی گروهی زنانه به عنوان الگویی از همبستگی و همدلی جمعی، نشان دهد می‌توان با ایده‌ها و ابتکار ی ساده و البته کمی همدلی و از خودگذشتگی بر شیوه زیست مادران و کودکان این شهر اثر گذاشت. نمایش تصویری این همدلی می‌تواند حتی به عنوان الگویی ساده برای دیگر شهرها نیز به کار آید. مستند «آشتی‌کنان» روایتی صمیمی و تأثیرگذار از شکل‌گیری گروهی تحت عنوان «مادر یار» است، گروهی متشکل از مادران دغدغه‌مند با هدف حمایت از زنان باردار؛ مادرانی که به‌تازگی صاحب فرزند شده‌اند، همچنین بانوانی که در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیاز به حمایتی دارند. قصه «آشتی‌کنان» در سرت مثل کوچ‌های آشتی‌کنان در معماری ایران ساختاری ساده و دور از پیچیدگی دارد؛ روایتی ساده در فرم اما با نگاهی عمیق به فعالیت‌های داوطلبانه و انسان‌دوستانه گروهی زنانه که قرار است توانایی و نقش مؤثرشان را در جامعه ایفا کنند. کارگردان مستند «آشتی‌کنان» با توجه به سابقه پژوهشگری در فضای شهری بزرگ مثل تهران سراغ زمانی رفته که به تلاش‌های داوطلبانه و نوع دوستانه می‌پردازند و هدف‌شان بهبود وضعیت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی زنان محله سیلان تهران است. این مستند نمونه‌ای ملموس از همبستگی زنانه در جامعه امروز ایران را به نمایش می‌گذارد.



یکی از چالش‌های اصلی کارگردان در مستند «آشتی‌کنان» مانند اغلب مستندهای اجتماعی، راضی‌کردن سوزه‌های اصلی برای قرار گرفتن در مقابل دوربین و روایت داستان است. روائان این اثر، اغلب خانم‌های مذهبی و طبعیاً با ملاحظات خاص خود بوده‌اند اما کارگردان توانسته است این زنان دغدغه‌مند را جلوی دوربین خودش قرار دهد و از طریق آن‌ها حرف‌هایی مهم درباره اهمیت روابط آدم‌ها منتقل کند.

روایت ساده و دور از ریاکاری بانوان از همان دقایق ابتدایی، توجه مخاطب را جلب می‌کند؛ جایی که این زنان در حالی که مشغول فعالیت‌های روزمره در خانه یا فعالیت در گروه مادر یاری هستند، از شروع، انگیزه و چالش‌های فعالیت‌های داوطلبانه‌شان سخن می‌گویند.

این فرم روایی مستند حتی اگر بر گروه اندکی از مخاطب هم تأثیر گذار باشد، به هدف و رسالت اصلی خودش که بازگویی و روایتگری حقیقی از آنچه در گوشه‌ای از شهر شلوغ تهران مادر جمعی آرام و صمیمی می‌گرد، رسیده است. یکی از نکات قابل توجه در مستند «آشتی‌کنان» حضور بچه‌هاست؛ بچه‌هایی که اتفاقاً گروه مادر یاری بخشی از هویت خود را م‌روهن حضور آنان است. در مستند هم بچه‌ها به شکلی واقعی (در حال بازی کردن و بی‌پناه‌گیری) حضور دارند تا جایی که گاهی مخاطب حس می‌کند دوربین کارگردان در حال ضبط تصویری به شکل دخفی است. اتفاقاً همین نکته بر جذابیت‌های بصری مستند افزوده است. مستند «آشتی‌کنان» از پیشینه پژوهشی مناسبی برخوردار و کارگردان بر موضوع اشراف داشته است، بنابراین از لحاظ محتوایی با دست پر تولید شده، هر چند ممکن است از لحاظ فرم در فضای گفت‌و حرف‌های کاستی‌هایی داشته باشد.

مستند آشتی‌کنان از سوی خانه مستند تهیه و تولید شده است. مستند «آشتی‌کنان» به کارگردانی تینا صفاهییه و تهیه‌کنندگی محمود امیرانی محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در خانه مستند تهیه و تولید شده است. این اثر ابتدا هشنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه از شبکه ۲ سیمای پخش شد و از طریق تلویزیون در دسترس است.

■ قاپ هنر



طرح: محمدعلی خلجی